

سختگیری دولت آمریکا علت تحریم اپلیکیشن‌های ایرانی

صفحه ۲

سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۶ | ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ | ۵ دسامبر ۲۰۱۷ | سال دهم | شماره ۲۲۲۱ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان



هزینه حضور شهردار در هیأت دولت ۵۳۰۰ میلیارد تومان

صفحه ۴

ولادت پیامبر اعظم (ص) و فرزند بزرگوارشان حضرت امام جعفر صادق (ع) را شادباش می‌گوییم

تیتراهای امروز

مرادی ۲ رکورد جهان را شکست و ۲ مدال طلای مسابقات جهانی وزنه‌برداری را از آن خود کرد

پرواز سهراب



صفحه ۱۲

گزارش «وطن امروز» از اعتراض دانشجویان صنعت نفت

وزارت نفت دانشجویان نفت را استخدام نمی‌کند

صفحه ۳

مدیرکل سابق تعزیرات حکومتی تهران با انتقاد از سکوت دستگاه‌های مسئول در برابر افزایش قیمت نان

افزایش قیمت نان کارشناسی نشده بود

صفحه ۴

دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: چنانچه محمود صادقی عذرخواهی نکند تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرد

تاداب شود

صادقی از آیت‌الله مکارم عذرخواهی کرد

صفحه ۲

روزنه

حلول دوباره روح ملی‌گرایی در کالبد قاره سبز

روایتی از اروپای امروز

محمد علومی: این روزها اخبار مربوط به تحولات داخلی آلمان بشدت مورد توجه رسانه‌های غربی قرار گرفته است. ناتوانی انگلاند مرکل در تشکیل ائتلاف با احزاب سبز، سوسیال-مسیحی و دموکرات‌های آزاد منجر به ایجاد ائتلافی سیاسی در آلمان و متعاقباً اتحادیه اروپایی شده است. هم‌اکنون مذاکرات تشکیل دولت ائتلافی در آلمان، میان ۲ حزب سنتی و رقیب در این کشور یعنی سوسیال-دموکرات و دموکرات - مسیحی از سر گرفته شده است. با این حال، بسیاری از تحلیلگران مسائل اروپا متفق‌القول هستند که دوران اقتدار مرکل در قاره سبز دیگر به پایان رسیده است. براسی که چیزی در اروپا می‌گذرد؟ آیا می‌توان با رصد و چینی «سینگنال‌ها» و «وقایع» موجود در اروپا به تصویر معینی درباره «روپای امروز» دست یافت؟ در این باره نکات مهمی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

یک - نخست اینکه در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی اروپا در سال ۲۰۱۴ میلادی، بیش از ۱۰۰ نماینده منتسب به جریان راست افراطی توانستند کرسی‌های پارلمان اروپا را تحت کنترل خود درآورند. مشارکت ۴۳ درصدی شهروندان در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ از یک‌سوی و پیروزی نسبی جریان راست افراطی در این انتخابات، شوک سختی بر پیکره اروپای واحد وارد کرد. از سال ۲۰۱۴ میلادی تاکنون، حدود ۱۲۰ کرسی از پارلمان اروپا تحت کنترل کسانی است که اساساً موجودیت اروپای واحد و منطقه یورو را قبول نداشته و خواستار گذار به دوران قبل از تشکیل اتحادیه اروپایی هستند. پس از سال ۲۰۱۴، احزاب وابسته به جریان راست افراطی در سرتاسر اروپا جان تازه‌ای گرفتند. بسیاری از احزاب ملی‌گرا در سایه ضعف و ناتوانی احزاب میانه‌رو (محافظه‌کار و سوسیالیست) توانستند مانعیت خود را به بدنه اجتماعی جامعه ارائه کنند و بسیاری از آرای سفید و خاکستری را به سود خود به گردش درآوردند. در گذشت‌های نه چندان دور، جریان‌های راست افراطی (به عنوان جریان‌هایی ملی‌گرا و ضداتحادیه اروپایی، ضداسلام و ضد مهاجران) اساساً موفق به کسب حداقل آرای ممکن برای راهیابی به پارلمان کشورهای اروپایی نمی‌شدند.

ادامه در صفحه ۱۵

با هلاکت علی عبدالله صالح هنگام فرار از صنعا کودتای مزدوران سعودی و امارات به شکست انجامید

عاقبت فتنه

■ سیدعبدالملک الحوثی: ملت یمن توطئه‌های بزرگ را پشت سر گذاشت

■ سخنگوی انصارالله: امارات علی عبدالله صالح را به این سرانجام خفت‌بار کشاند

صفحه ۱۵



اما نقطه اوج سفر ترزا می به عربستان رونمایی و کلیدزدن طرح کودتای یمن بود که از ماه‌ها پیش با هدایت و حمایت دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی انگلیس در حال شکل‌گیری و تکامل بود.

سفر می به ریاض و پیام وی مبنی بر بازگشایی بندر حدیده در واقع اسام رمز - آغاز کودتای علی عبدالله صالح بود.

انگلیس خبیث که اتفاقاً ید طولایی در طراحی کودتا در کشورها داشته و اخیراً نیز اسناد جدید نقش آنها در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ فاش شد، این بار در یمن و با همکاری موساد و سیا و با هماهنگی عربستان دست به کودتا علیه جریان انصارالله زد. در این راستا شلیک موشک ۱۶۰۰ کیلومتری «کروز» به ابوظبی را می‌توان باطل‌السحر این فتنه انگلیسی - سعودی قلمداد کرد. هرچند کودتای انگلیسی-عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری پیشین یمن با کمک عربستان سعودی و امارات برای اختیار گرفتن قدرت در «صنعا» پایتخت یمن و صادرة انقلاب این کشور، با هوشیاری و اقدام بوعقب نیروهای انصارالله و بازپس‌گیری مکان‌ها، نهادهای و سازمان‌های دولتی تصرف شده توسط کودتاچیان در همان ساعات نخستین در نطفه خفه شد و در نهایت با فرار و مرگ علی عبدالله صالح پایان یافت، اما نباید از نقش پنهان انگلیس در این تحولات و همچنین تحولات آینده منطقه بویژه در عراق و انتخابات آینده آن غافل بود. در پایان اما یک بار دیگر دست برتر مقاومت در منطقه به‌رغم اقدامات و توطئه‌های پشت پرده علیه وی و کمک به تلاش‌ها و برنامه‌های پیچیده دشمن، یادآور در پیش داشتن دورانی درخشان برای ملت‌های منطقه بوده و نویددهنده گسترش و نفوذ روزافزون گفتمان مقاومت در منطقه است.

پیام ترزا، اسم رمز فتنه در صنعا

کودتای نافر جام یمن

لازم داده شد تا در مذاکرات خود با «جرد کوشنر» داماد ترامپ، نکات و دیدگاه‌های انگلیس را منظر قرار دهد. همچنین درباره سوریه و تحولات آنجا نیز آخرین هماهنگی‌ها با اردن انجام شد.

اما عربستان! انگلیس بیش از هر کشوری در اتحادیه اروپایی به عربستان اسلحه می‌فروشد و از سال ۲۰۱۰ میلادی به این سو با تشدید بحران‌ها در منطقه، میزان فروش اسلحه‌های انگلیس به عربستان سعودی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. بر این اساس تنها در سال ۲۰۱۵ میلادی ۸۳ درصد از کل صادرات اسلحه انگلیس به عربستان بوده است.

در رسانه‌ها گفته شد ترزا می، حامل پیامی «جدی» برای پادشاه عربستان بوده و انگلیس خواستار بازگشایی بندر حدیده یمن توسط عربستان به منظور جلوگیری از فاجعه انسانی است! این حس ترحم و انسان‌دوستی خانم می در حالی است که وی تاکنون بارها درخواست‌ها برای تعلیق فروش اسلحه به عربستان سعودی را رد کرده است.

سفر ترزا می به عربستان و دیدارهای جداگانه وی با پادشاه و ولیعهد عربستان در کنار تلاش برای مدیریت تحولات داخلی عربستان و در جریان قرار دادن شاهزاده جوان سعودی، بن‌سلمان از آخرین اقدامات و توطئه‌های پشت پرده علیه وی و کمک به سرکوب این تلاش‌ها، توصیه‌هایی را نیز دربرداشته و می به شاهزاده جوان گوشزد کرد در دوران پادشاهی‌اش نقش و سهم انگلیس را محفوظ داشته و این حمایت‌ها را فراموش نکند!

ماشاءالله ذراتی: سفر هفته

نگاه

گذشته «ترزا می» نخست‌وزیر انگلیس به خاورمیانه و حضور وی در اردن، عراق و عربستان و هم‌زمانی شروع تحولات و کودتای یمن با سفر وی به عربستان، شامل ابعاد و پیچیدگی‌های خاصی بود که در ذیل پوشش خاص رسانه‌ای این سفر از آن غفلت شد و مورد توجه و واکاوی دقیق‌تر قرار نگرفت.

توجه ابعاد و نتایج این سفر جالب است که تحلیل‌داشته باشیم که ترزا می اولین رهبر خارجی بود که پس از آزادی موصل از دست گروه تروریستی داعش به عراق سفر کرد. همچنین وی نخستین نخست‌وزیر انگلیس است که پس از سال ۲۰۰۸ میلادی به عراق سفر کرد و از همه مهم‌تر وی نخستین رهبر یک کشور غربی بود که پس از نابودی داعش به منطقه آمد. به‌رغم تیتراهای کاتالیزور شده رسانه‌ها که سفر وی را نخستین سفر پسابریگزیت نخست‌وزیر انگلیس به منطقه خواندند، این سفر را باید نخستین سفر پساداعشی رویه‌پیر به منطقه خواند که این موضوع خود اهمیت این سفر را

در تحلیل چرایی اهمیت این سفر باید گفت انگلیس پسابریگزیت که از لحاظ اقتصادی و همین‌طور پرستیژ و جایگاه خود در تحولات منطقه و جهان دچار نوعی افت و نزول شده است، کماکان به منطقه غرب آسیا که حوزه سنتی و دیرینه استعمار و نفوذ این کشور است، به عنوان حوزه و منطقه اصلی استعمار، نفوذ و جایگاه خود تگریسته و برخلاف سکوت رسانه‌های انگلیس، این کشور بشدت سعی در حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه داشته و با کمک سرویس

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

شماره بعدی وطن امروز

شنبه ۱۸ آذر منتشر می‌شود



تهدید تولید ملی

0 107354 683291

خرید کالای خارجی!

یادداشت امروز

نوبت بعدی کیست؟

سرگیجه استراتژیک

■ مهدی محمدی

تحولات در خاورمیانه شدت گرفته است. علت اصلی، تلاش مشترک آمریکا، سعودی و اسرائیل برای جلوگیری از هژمونیک شدن قدرت منطقه‌ای ایران و رسیدن آن به نقطه غیرقابل بازگشت است.

پس از نهایی شدن کار داعش در سوریه و عراق - و به یک معنا پس از تصرف حلب در سوریه - متحدان اسرائیل به این نتیجه رسیدند نه فقط داعش در حال از بین رفتن است، بلکه کل داستان عن‌قریب معکوس خواهد شد و آنکه بزودی در تنگنای راهبردی قرار می‌گیرد اسرائیل است، نه ایران و مقاومت.

آنچه روی زمین در منطقه رخ داده، این است که اولاً ایران و مقاومت صاحب بخش عمده زمین‌هایی هستند که زمانی در اختیار داعش بود. ثانیاً کریدورهای دارای ارزش ژئوپلیتیکی این زمین‌ها از جمله مرز سوریه و عراق را در اختیار دارند که در واقع آزادی عمل بی‌سابقه‌ای در هرگونه درگیری عملیاتی آینده به آنها می‌دهد. ثالثاً گروه‌های مقاومت اتاق کنترل و فرمان واحد پیدا کرده‌اند و امروز مقاومت به راهبرد و الگوی عمل یکپارچه در منطقه رسیده است. ارتش فرامرزی مقاومت، درست است که به دلیل مبارزه با داعش شکل گرفت اما اکنون ماموریت‌های فرامرزی برای خود قائل است و با موفقیت هم آنها را به سرانجام می‌رساند. رابعاً مقاومت توانسته میان قدرت موشکی و منطقه‌ای خود تلفیق مناسبی شکل دهد که این امر منجر به ارتقای بی‌سابقه توان عملیاتی آن از راه دور و بسا هزینه انسانی اندک شده است. خامساً بدل شدن کل منطقه به پایگاه مقاومت - نه لزوماً این یا آن نقطه خاص - این جمع‌بندی را در ذهن آمریکا، اسرائیل و سعودی ایجاد کرده است که زیرساخت عملیاتی مقاومت علیه آن به نحو بی‌سابقه‌ای توسعه یافته و با مرزهای آن مماس شده است.

این صحنه مهیب، جریان سازش را به گرفتن تصمیم‌هایی بشدت عجولانه و گاه احمقانه واداشته و اضطراب ناشی از شکست، برای سعودی و اسرائیل شرایط خردکننده‌ای ایجاد کرده است. نخستین اشتباه در لبنان انجام شد، جایی که سعودی تصور می‌کرد با حذف تحریری حزب‌الله را تضعیف کند اما در واقع آن را بشدت تقویت کرد. اکنون در لبنان، حزب‌الله نیرویی مشروع و قدرتمند است که از عزت این کشور - حتی حریری - دفاع کرده و سعودی هم راهزنی است که حتی راهزنی هم بلد نیست. هدف سعودی ایجاد نزاع داخلی در لبنان علیه مقاومت و سپس تمرکز روی تحریر حزب‌الله بود اما حالا اقدام علیه حزب‌الله در لبنان از هر زمان دیگری دشوارتر شده است.

اشتباه بزرگ‌تر اما در یمن انجام شد. قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که امروز هیچ مساله‌ای برای سعودی فوری‌تر از یمن نیست. عربستان در یمن هم به لحاظ نظامی و هم به لحاظ سیاسی کاملاً به بن‌بست رسیده و رشد توان عملیاتی انصارالله بویژه در حوزه موشکی، به کابوسی بی‌سابقه برای آن بدل شده است. جنایت کردن و گرسنگی دادن به ملت یمن به مقاومت شدن آنها انجامیده و قدرت نظامی آنها با وجود محاصره کامل چنان رشد کرده که می‌توانند غافلگیری‌های راهبردی برای سعودی ایجاد کنند.

سعودی می‌خواست یمن را به یک اهرم فشار علیه حزب‌الله و ایران تبدیل کرده و با این اهرم پای میز مذاکره بنشیند. فقط کسی با حماقت محمد بن‌سلمان می‌توانست اینگونه ارزیابی کند که وادار کردن علی عبدالله صالح به خروج مسلحانه علیه انصارالله می‌تواند حوثی‌ها و متحدان را چنان ضعیف کند که شرایط عربستان را بهبودند. این درست مانند اشتباه محاسباتی بی‌سابقه‌ای است که دربار تان سعد حریری علیه حزب‌الله مرتکب شدند. اکنون دیگر علی عبدالله صالح در یمن حضور ندارد، قدرت به نفع انصارالله یکپارچه شده و روی زمین، کاری را که ائتلاف سعودی در ۳ سال گذشته قادر به انجام آن نشده بود، انصارالله در ۴۸ ساعت انجام داده است.

یمن نه نقطه آسیب‌پذیری مقاومت، بلکه نقطه قوت بی‌سابقه برای آن است و کسی که باید باخت در این بازی بزرگ را بپذیرد سعودی است نه مقاومت.

ادامه در صفحه ۵